

سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در قبال خشونت علیه اطفال

محمدعلی مهدوی ثابت^۱، سامان عبدالمهی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۸

چکیده

اطفال آسیب پذیرترین عضو جامعه هستند که سلامت روان و جسم آنان، ضامن تعالی کشور است؛ اما وقتی همین اطفال مورد خشونت قرار می‌گیرند، اثرات منفی بر طفل و جامعه خواهد داشت. خشونت در قبال اطفال می‌تواند دارای عوارض جسمی؛ جنسی و روحی را به دنبال داشته باشد. افزایش این پدیده در خانواده‌ها و لزوم حمایت از آسیب پذیرترین گروه اجتماع، بررسی این پدیده و اتخاذ راهکارهایی برای پیشگیری از آن را ضروری می‌نماید. آن چه بیش از پیش ضرورت آن احساس می‌شود، انجام تغییرات و اصلاحات اساسی در حوزه قانونگذاری به منظور اتخاذ یک سیاست جنایی پیشگیرانه هماهنگ، منسجم و افتراقی در راستای جلوگیری از خشونت‌های جنسی؛ جسمی و روانی اطفال بزه دیده است؛ بر این اساس، به منظور تدوین یک سیاست جنایی جامع و کارآمد که بتواند طیف اطفال را شامل شود، تنظیم کنندگان سیاست جنایی کشور، باید با بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد برنامه‌های مدرن در پیشگیری غیرکیفری از خشونت علیه اطفال را ساماندهی کنند و از طریق این برنامه‌ریزی حداقل رفاه را در تأمین نیازهای ضروری اطفال فراهم نمایند.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، خشونت علیه اطفال، کودک آزاری، پیشگیری از بزه دیدگی.

۱. استادیار و مدیر گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. پژوهشگر دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و مدرس گروه حقوق، واحد ملارد، دانشگاه آزاد اسلامی، ملارد، ایران.

نویسنده مسئول: samanabdollahi۱۳۷۳@gmail.com

مقدمه

بدون تردید دوران کودکی حساس‌ترین و تأثیرگذارترین دوره زندگی انسان است. در این دوران ابعاد مختلف جسمی و روانی کودک در حال شکل‌گیری و تکامل است. رشد سلامتی جسمی و روانی کودک مستلزم مهیا بودن شرایط متعددی است که نقض هر یک از آن‌ها فرآیند رشد صحیح کودک را به مخاطره انداخته، آینده زندگی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر کودک به دلیل ضعیف بودن در تمایم ابعاد جسمی، فکری و روانی قادر به رفع عوامل خطر از زندگی خویش نیست و این امر ضرورت جهت‌گیری اقدامات پیشگیرانه به سمت اطفال را مضاعف می‌کند.

افزایش پدیده خشونت علیه اطفال در جامعه و لزوم حمایت از آسیب‌پذیرترین و بی‌پناه‌ترین گروه اجتماع، بررسی این پدیده و اتخاذ راهکارهایی برای پیشگیری از آن را در سیاست جنایی ضروری می‌نماید. با شناسایی و ارائه راهکارهای مناسب پیشگیری، می‌توان امیدوار بود که شیوع این پدیده کاهش یافته و کودکان سالم امروز، فردایی بهتر را برای کشور رقم بزنند؛ تمرکز اصلی راهبردهای مداخله‌ای، جستجوی برنامه‌های پیشگیری از بدرفتاری با کودک مبتنی بر چارچوب-های سبب‌شناختی خشونت هستند؛ نگارندگان در این مقاله در پی پاسخگویی به این سوال اصلی است که راهکارهای پیشگیری غیرکیفری (کنشی) در قبال خشونت علیه اطفال در سیاست جنایی پیشگیرانه ایران چیست؟

۱. مفهوم شناسی

بحث پیرامون یک موضوع نیازمند آشنایی و روشن شدن مفاهیم آن موضوع می‌باشد در این قسمت مفاهیم مورد نیاز مقاله که زیر بنای مطالب بعدی تحقیق را تشکیل می‌دهد به صورت توصیفی و تحلیلی بیان خواهد شد.

۱-۱. مفهوم خشونت علیه اطفال

خشونت را رفتاری آگاهانه در نظر گرفته‌اند که نتایج احتمالی آن ایجاد آسیب فیزیکی یا درد فرد دیگر است (yelo, ۱۹۸۳, ۸۵)؛ به طور کلی خشونت عمل فرد معینی است که به جان یا مال یا شرف دیگران تعرض و حمله می‌کند. چنین خشونت‌هایی را «خشونت انفرادی» می‌گویند ولی ممکن

است خشونت توسط عده‌ای معین یا گروه خاص انجام پذیرد (گزارش کمیته مأمور مطالعه در امر خشونت و بزهکاری، ۱۳۷۸: ۲۷).

هر چند لازمه هر خشونت توسل به زور و جبر است. اما هر زور و قدرتی را نمی‌توان خشونت نامید و در واقع زور و قدرتی که به صورت نابجا و غیر قانونی و تعرض آمیز موجبات صدمه به حقوق و تمامیت افراد را فراهم می‌کند خشونت نامیده می‌شود. در حوزه کودکان غالباً در ادبیات علوم اجتماعی از واژه خشونت استفاده شده است. برعکس روانشناسی و روانپزشکی که اصطلاح «کودک آزاری» رواج بیشتری دارد. بنابراین، در کنار توجه به تعریف خشونت علیه کودکان به اشکال آن نیز توجه باید شود.

عده‌ای خشونت علیه کودکان را به عنوان هر نوع تعامل یا عدم تعاملی که بین یک «دیگر مهم» و «کودک» است که خارج از هنجارهای فرهنگی و اجتماعی خانواده‌هاست و نتیجه آن آسیب رساندن به رشد عاطفی و فیزیکی کودک است تعریف کرده‌اند (Leavit, ۱۹۹۳, ۱۲)؛ در نوشته‌های جامعه‌شناختی از واژه پرخاشگری نیز استفاده شده است؛ پرخاشگری هم به دو گونه خصمانه^۱ و ابزاری^۲ تقسیم می‌شود. نوع اول، رفتاری است که به نیت صدمه زدن انجام می‌گیرد و در دومی ممکن است صدمه به وجود آید، اما هدف آسیب رساندن نیست بلکه در نتیجه رفتار ایجاد می‌شود. به عنوان مثال والدین در نتیجه تنبیه بدنی کودکان خود قصد آسیب رساندن به کودک را ندارند ولی در هنگام تنبیه در اثر ضربات شلاق یا مشت ممکن است کبودی، آسیب‌های مغزی یا صدماتی از این قبیل برای کودک پدید آید.

مفهوم آزار کودکان یا کودک آزاری نیز در کنار کلیه خشونت جسمانی و روانی در ماده ۱۹ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک مورد اشاره قرار گرفته است. واژه مذکور در علم روانشناسی و روانپزشکی کاربرد فراوانی دارد.

برخی کودک آزاری را هر گونه آسیب جسمانی و روانی، سوء استفاده جنسی و رفتارهای اهمال‌گرانه یا خشونت آمیز نسبت به کودک توسط فردی که مسئولیت آسایش و رفاه او را برعهده دارد، به طوری که سلامت و آسایش کودک به خطر افتد (Alexander, ۲۰۰۱, ۱۰۵)؛ می‌دانند. میلز کودک آزاری را انجام یا اجازه به دیگری برای ایجاد آسیب جسمانی، جنسی و عاطفی نسبت

^۱. Hostile aggression.

^۲. Instrumental aggression.

به کودک و ایجاد درد جسمانی و عاطفی تعریف کرده است (Mills, ۲۰۰۰، ۱۰۳). در این راستا، برخی کودک آزاری را هرگونه اعمال خشونت آمیز جسمانی، روانی و بی‌توجهی نسبت به کودکان می‌دانند (Scher, ۲۰۰۵، ۸۷).

مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی: «کودک آزاری عبارت است از آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان با سعادت و رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند» (آقایگلویی، رسول زاده طباطبایی و موسوی چلک، ۱۳۸۰: ۱۳)؛ در این تعاریف دو نکته مهم جلب توجه می‌کند. نخست کودک آزاری فقط شامل خشونت علیه کودکان در پرتو برخی از افعال نمی‌شود و عدم توجه و مراقبت ناکافی و بی‌توجهی به نیازهای ضروری آن‌ها را نیز در قالب ترک فعل دربر می‌گیرد.^۱ دوم، کودک آزاری فقط شامل رفتارهای آسیب رسان به کودکان در محیط‌های خانوادگی نمی‌شود، بلکه به هرگونه آسیب جسمانی و جنسی عاطفی توسط هر شخصی حتی خارج از خانواده مربوط می‌شود.

بر خلاف کنوانسیون حقوق کودک که فقط به اشکال جسمانی و روانی خشونت اشاره داشته؛ در بحث خشونت علیه اطفال به انواع جسمی، روانی و جنسی نیز اشاره شده است.^۲

^۱ برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک به عبدالمهی، سامان و کرامتی معز، هادی (۱۳۹۷). **پیشگیری از بزه‌دیدگی ناشی از بی‌توجهی به اطفال در سیاست جنایی ایران**، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوازدهم، شماره ۴۶.

^۲ در بررسی تعاریف مختلف ارائه شده از سوی روان شناسان و بزه دیده شناسان، میتوان انواع متفاوتی از خشونت را استنباط نمود. در واقع خشونت، این اسباب تفوق جمعی بر جمع دیگر، به تناسب این که در چه حوزه ای و نسبت به چه افرادی و در چه زمانی و توسط چه کسانی رخ میدهد، قلمرو آن تعیین میگردد و به انواع مختلفی تقسیم بندی میشود. خشونت را میتوان از نظر شکل بروز به انواع عریان (آشکار)، پنهان و نمادین، از نظر سطح آگاهی فاعل هنگام اقدام به خشونت؛ به انواع آگاهانه، ناآگاهانه و ناخواسته، از نظر کیفیت آسیب؛ به خشونت روانی (روحي)، خشونت فیزیکی (جسمانی) و خشونت جنسی تقسیم بندی نمود. همچنین از این نظر که خشونت علیه چه کسی اعمال می‌شود؛ به انواع متفاوت خشونت علیه زنان، کودکان، سالمندان، معلولان و اقلیت‌ها با لحاظ نژاد، رنگ، قومیت، زبان و غیره تقسیم بندی شده است. طبقه بندی خشونت فیزیکی مستقیم، خشونت نهادینه، خشونت ساختاری و خشونت نمادین یا فرهنگی، همچنین خشونت های مجاز (خشونت های قانونی و غیر قانونی، ضروری و غیر ضروری و مفید و مضر) و غیر مجاز، خشونت های فیزیکی و غیر فیزیکی و خشونت های فردی و اجتماعی از جمله دیگر، طبقه بندی های ارائه شده است (ابوالحسنی و طه، ۱۳۹۶: ۱۹)؛ نگارندگان با عنایت به تقسیم بندی های فوق و بر مبنای ماده ۳ لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت؛ خشونت را به سه دسته الف. خشونت جسمی ب. خشونت روانی پ. خشونت جنسی تقسیم کرده‌اند.

۲-۱. مفهوم انواع خشونت علیه اطفال

۱-۲-۱. مفهوم خشونت جسمی علیه اطفال

خشونت جسمانی، فعل آگاهانه و ارادی مرتکب به قصد آسیب، صدمه جسمانی و ایجاد درد جسمانی بر قربانی است (نورالدین، ۱۳۸۶: ۱۷)؛ در خشونت‌های جسمانی خانگی ایراد صدمه و آسیب جسمانی توسط افرادی صورت می‌گیرد که به واسطه ارتباط خونی و یا قانونی با کودک قربانی، متصل و در تعامل‌اند. مصادیق این خشونت از ضرب و جرح ساده تا قطع عضو و قتل کودک را دربرمی‌گیرد، که از نوع اخیر و وحشیانه خشونت‌های بدنی از اصطلاح خشونت سخت نیز نام برده‌اند.

۲-۲-۱. مفهوم خشونت روانی علیه اطفال

رفتارهایی که نسبت به کودک صورت می‌گیرد و منجر به ورود آسیب به سلامت و رشد جسمی و روانی، روحی و اخلاقی یا اجتماعی او می‌گردد یا احتمال بروز چنین آسیب‌هایی را ایجاد می‌نمایند، در زمره خشونت روانی قرار می‌گیرند. این رفتارها باید در حوزه کنترل والدین و یا اشخاصی که مسئولیت و یا اختیار کودک را بر عهده دارند، انجام پذیرد. چنین اقداماتی شامل محدودیت در حرکت، تحقیر کردن، تهدید کردن، ترساندن، تبعیض گذاشتن، یا دیگر آسیب‌های غیرجسمی از رفتارهای خصمانه و تبعیض‌آمیز می‌شود.

خشونت روانی نیز به هر نوع رفتار و گفتار خشنی اطلاق می‌شود که سلامت روحی و روانی فرد را با خطر مواجه می‌کند. به عبارت دیگر در این نوع خشونت فرد بزرگسال به عزت نفس و شایستگی‌های اجتماعی کودک حمله می‌کند. این نوع خشونت نیز از یک توهین و فحاشی و تمسخر ساده تا تهدیدهای شدید را در بر می‌گیرد. این نوع خشونت، کودک را دچار حس بی‌مایگی و عدم اعتماد به نفس می‌کند و گاهی حتی رفتارهای عصبی سبب عوارض جسمانی می‌گردد.

سازمان جهانی بهداشت به نوبه خود خشونت علیه کودکان را این گونه تعریف نموده: «استفاده عمدی از قدرت و یا نیروی فیزیکی، تهدید و یا استفاده واقعی از نیروی فیزیکی علیه کودک توسط فرد یا گروه، که به صورت عملی به سلامتی، حیات، رشد و همچنین عزت نفس به صورت بالفعل یا بالقوه صدمه بزند و یا احتمال ایجاد صدمات بعدی را افزایش دهد (Krug, ۲۰۰۲, ۵).

در این تعریف، بر خلاف کنوانسیون حقوق کودک، خشونت فقط به نوع خانوادگی آن محدود نشده است. به مانند کنوانسیون به موارد جسمانی روانی نیز اشاره شده است. در این تعریف عنصر عمد که به پرخاشگری خصمانه اشاره دارد، مورد توجه قرار گرفته است. از ویژگی‌های مهم دیگر این تعریف، گسترش دامنه رفتارهای مشمول خشونت به رفتارهایی است که نه تنها به صورت بالفعل به سلامتی؛ حیات و رشد و عزت نفس کودک لطمه می‌زنند بلکه به صورت بالقوه نیز از این قابلیت برخوردارند، است. حتی افزایش احتمال ایجاد صدمات بعدی نیز خشونت محسوب شده است که گاهی در جهت توسعه حمایت از کودکان در برابر خشونت محسوب می‌شود.

اسناد منطقه‌ای عام و خاص حقوق بشر و خاص کودکان نیز تا حدود زیادی از اصطلاح و مفهوم کلی خشونت جسمانی و روانی استفاده کرده‌اند. اما برخی از این اسناد مانند منشور حقوق و رفاه کودکان آفریقا در ماده ۱۶ خود بر ممنوعیت کلیه اشکال شکنجه و رفتارهای تحقیر آمیز و غیرانسانی به ویژه صدمه جسمانی و روانی اشاره کرده است. در واقع این سند منطقه‌ای صدمه جسمانی و روانی کودکان را در ردیف اشکال شکنجه و رفتارهای تحقیر آمیز و غیرانسانی آورده است.

میثاق حقوق کودک در اسلام نیز در بند ۲ ماده ۱۷ برخلاف کنوانسیون و تا حدودی نزدیک به منشور آفریقایی حقوق رفاه کودک بر حمایت از کودک در برابر تمامی اشکال شکنجه و رفتارهای تحقیر آمیز یا غیر انسانی در تمامی وضعیت‌ها و حالت‌ها (چه در درون و برون خانواده) تأکید کرده است. این اسناد به مانند سازمان جهانی بهداشت مصادیق خشونت را به فراتر از خشونت علیه کودکان در خانواده توسعه داده‌اند.

صندوق کودکان سازمان ملل متحد با پذیرش تعریف مذکور بر مشکلات ناشی از تأثیر فرهنگ‌های مختلف بر تعریف خشونت و مصادیق آن تأکید می‌کند. بر این اساس، خشونت ممکن است نه برای کودک و نه برای فردی که خشونت را علیه او اعمال می‌کند غیر معمول و نادرست نباشد، بلکه ممکن است عمل خشونت آمیز به دیده آنان اصلاً خشونت آمیز نباشد و فقط در حد یک عمل تنبیهی لازم و قابل توجیه به آن بنگرند (زینالی، ۱۳۹۴: ۲۵۸-۲۵۹) و این امر؛ زمینه ساز تفاسیر مغایر کرامت انسانی کودکان را در بازتاب اشکال اعمال خشونت آمیز در حقوق کیفری کشورها را فراهم می‌کند.

۱-۲-۳. مفهوم خشونت جنسی علیه اطفال

خشونت جنسی علیه اطفال عبارتست از درگیر نمودن کودک در فعالیت جنسی ای که وی به طور کامل آن را درک نمی کند. ناتوان از ابراز رضایت آگاهانه است، یا کودک برای انجام آن به لحاظ رشدی آماده نیست و نمی تواند به آن رضایت دهد.

جرایم جنسی، به طور گسترده، به عنوان صدمات شدیدی که آثار آن‌ها فراتر از خسارات وارد به تمامیت جسمانی شخص هستند، مورد توجه قرار می گیرند. این گونه جرایم در مورد کودکان زیاد دیده می شود و پرونده‌های جدید مطرح نزد رسانه‌های گروهی، دلیل این مدعاست (تدین، ۱۳۹۶: ۵۱).

با توجه به درجه شدت، خشونت‌های جنسی، به دو گروه تقسیم می شوند: این خشونت‌ها، از هتک ناموس که شیوه بسیار شدید در قلمرو خشونت جنسی محسوب می شود تا دیگر شیوه‌های خشونت جنسی مانند تجاوزات جنسی و تعرضات ساده جنسی را در برمی گیرند. برخی از مصادیق این عمل به شرح ذیل است؛ اغوا نمودن و یا اجبار کودک به وارد شدن در هرگونه رفتار جنسی غیرقانونی، استفاده از بهره کشی از کودک در فحشاء و دیگر رفتارهای جنسی غیرقانونی، استفاده از کودکان در تهیه مطالب هرزه نگاری و....

۱-۳. مفهوم سیاست جنایی پیشگیرانه

سیاست جنایی طی سه دهه گذشته به یک رشته مطالعاتی مستقل در علوم جنایی تبدیل شده است. طی این فرآیند، طیف گسترده‌ای از اندیشمندان حوزه علوم جنایی تعریف‌های متفاوتی از این اصطلاح نوپای علوم جنایی به دست داده‌اند. نخستین بار دلماس مارتی، سیاست جنایی را به مثابه رشته‌ای مستقل در علوم جنایی عینیت داد و در واقع، می توان علم سیاست جنایی را میوه اندیشه دلماس مارتی دانست؛ علی‌رغم تعدد تعاریف سیاست جنایی، آن‌ها را می توان از حیث قلمرو تعریف به تعاریف مضیق و تعاریف موسع تقسیم‌بندی کرد.

در تعاریف اولیه سیاست جنایی، معنا و مفهوم سیاست جنایی مضیع مدنظر بود و رویکرد انحصاری، مبارزه با جرم و کیفر بزهکاران و به بیان دیگر سیاست کیفری بوده است، اما به تدریج مفهوم موسع سیاست جنایی مورد توجه قرار گرفت و در کنار مقابله و جزادهی بزهکار، بحث پیشگیری از بزه نیز در میان جرم‌شناسان قوت پیدا کرد و سیاست جنایی از «سیاست کیفر» به «سیاست کیفر و پیشگیری» تحول پیدا کرد.

سیاست جنایی پیشگیری، شاخه‌ای از سیاست جنایی است که موضوع آن تعیین و پیشنهاد اقدام‌های کیفری و غیرکیفری به‌منظور پیشگیری از بزهکاری در جامعه یا یک جمعیت محدود است (زرگری، ۱۳۹۰: ۲۷). اهمیت کار پیشگیری از جرم به‌ویژه در عصر کنونی و در آستانه ورود به فضای خطرناک آینده که در آن آمار و تنوع جرائم سبب نگرانی عام و خاص در سطوح مختلف شده دوچندان می‌شود (کی‌نیا، ۱۳۹۲: ۵۱)؛ علاوه بر آن در بیان ضرورت سیاست‌گذاری پیرامون جرم‌شناسی پیشگیرانه^۱ پیشگیری از جرم همین بس که بر اساس بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ خبرگان قانون اساسی در آن تاریخ، به بحث پیشگیری از جرم توجه داشته و بسترهای سیاست‌گذاری و فراتقنینی آن را فراهم کرده‌اند.

از سال ۱۳۸۴ نیز قوه قضائیه درصدد بوده است که در راستای تحقق همه‌جانبه بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، لایحه جامع را تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند که تا کنون در این امر ناکام مانده است. قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۹۴/۶/۷ نیز این هدف را محقق ن ساخته و در واقع قانون تشکیل شورای عالی پیش‌گیری از وقوع جرم است.

۲. پیشگیری کیفری (واکنشی) در قبال خشونت علیه اطفال در سیاست جنایی پیشگیرانه ایران

پیشگیری از بزهکاری از مهم‌ترین سازوکارهای سیاست جنایی است که با توسل به اقدامات قهرآمیز و غیرقهرآمیز درصدد کاهش یا از بین بردن عوامل فردی، محیطی و وضعی جرم‌زا و نیز گرایش به بزهکاری است.

«پیشگیری واکنشی»، از نظر گاه تاریخ تحولات علوم جنایی، قدیمی‌ترین شکل پیشگیری بوده است؛ یعنی مبارزه با جرم با استفاده از پاسخی که به‌طور معمول واکنش اجتماعی به پدیده مجرمانه (جرم) نامیده می‌شود. دیدگاه‌هایی که درباره پیشگیری واکنشی مطرح بوده‌اند، اغلب آن را به

^۱ جرم‌شناسی پیشگیرانه در معنای پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن، مورد استفاده واقع می‌شود. یعنی با کاربرد فنون مختلف به‌منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، هدف به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکار است (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۳).

شکل کیفری تعریف می‌کنند^۱. ولی به نظر می‌رسد که می‌توان یک شکل ناکیفری از پیشگیری واکنشی را نیز تصور کرد. بنابراین، آنچه در پیشگیری واکنشی اهمیت دارد، همین پاسخ یا واکنش - به ویژه، نوع و چگونگی آن به پدیده جرم است. از نظر واژه شناسی، «واکنش؛ واکنشی» در این پیشگیری، همان reactive / reaction به معنای اقدام یا کنش متقابلی است که به جرم نشان داده می‌شود و در علوم جنایی و جرم شناسی، از نوع و چگونگی این اقدام و کنش بهتر و کارآمدتر سخن می‌رود (رایجیان اصلی، ۱۳۹۷: ۴۲).

۱-۲. تشدید مجازات با خشونت علیه اطفال در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که در حال حاضر برای رسیدگی به جرایم خشونت علیه اطفال به آن استناد می‌شود، از یک طرف ضمانت‌های اجرایی ضعیفی دارد و از طرف دیگر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی خشونت علیه اطفال در آن لحاظ نشده و فقط به مراجع قضایی اجازه مداخله داده شده است. به طوری که در صورت وقوع خشونت علیه طفل، حتی سازمان بهزیستی هم اجازه ندارد، اقدامی بدون هماهنگی مراجع قضایی انجام دهد. باید اول به مراجع قضایی گزارش دهد و منتظر بررسی این گزارش بماند؛ وضعیتی که باعث هدر رفت زمان و اقدام دیر هنگام می‌شود.

این در حالی است که لایحه جدید حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، که سال‌هاست در انتظار تصویب مجلس باقی مانده است، از یک طرف به طور ویژه به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی که در پیشگیری از خشونت علیه اطفال مؤثرند می‌پردازد، و از طرف دیگر، برخلاف قانون فعلی، اختیارات گسترده‌ای برای مراجع غیرقضایی یعنی سازمان بهزیستی و نیز سازمان‌های غیردولتی که در حوزه کودکان فعال هستند، در نظر گرفته است. طبیعتاً این مسأله، در پیشگیری از خشونت علیه کودکان و حمایت از کودکان آسیب دیده، بسیار تأثیرگذار است. در این لایحه، همچنین ضمانت‌های اجرایی برخورد با خشونت علیه کودکان هم تشدید شده و به علاوه تأسیس یک دادگاه اختصاصی با کارشناسان ویژه برای رسیدگی به جرایم خشونت علیه اطفال در نظر گرفته شده است.

^۱. برای نمونه، در **دانشنامه جرم شناسی** (۱۳۹۳)، پیشگیری از جرم در نظریه کیفری، شامل ارباب یا بازدارندگی کیفری جمعی همگانی و فردی تعریف شده است، که معنای پیشگیری واکنشی، در شکل کیفری آن را در بر دارد (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیکی، ۱۳۹۳: ۹۹).

براساس قانون فعلی، به جرایم علیه کودکان، در دادگاه عمومی رسیدگی می‌شود و هیچ اجباری نیست که این پرونده‌ها به دادگاه اطفال برود. این در حالی است که بسیاری از قضات دادگاه‌های عمومی، حتی نام قانون حمایت از کودکان و نوجوانان هم به گوش‌شان نخورده است و حساسیت‌های لازم را برای تعیین مجازات‌ها ندارند، اما قضات دادگاه‌های اطفال، آشنایی بیشتری با حقوق کودکان و قوانین مرتبط با آنها دارند.

به عنوان یک مثال دیگر، در قانون فعلی حمایت از کودکان و نوجوانان، همه افراد **مجازند** خشونت علیه اطفال را گزارش کنند. اما در لایحه جدید در نوبت مانده‌ای که از طرف قوه قضاییه ارائه شده، افراد **ملزم** به گزارش خشونت علیه اطفال شده‌اند، یعنی وظیفه قانونی بر دوش افراد گذاشته شده است و حتی به خود کودکان هم این حق داده شده است که این موارد را گزارش کنند.

بنابراین در «لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان» به تشدید مجازات در قبال خشونت علیه اطفال صورت گرفته و قانون ۹ ماده‌ای مصوب ۱۳۸۱ تغییرات اساسی ایجاد کرده است و همچنین لایحه یکی از فصول خود را به جرایم و مجازات‌ها اختصاص داده است.

براساس ماده ۱۱ این قانون هرگاه مرتکب قتل عمد یا ضرب و جرح عمدی کودک و نوجوان باشد و به هر علتی قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد. بر اساس تبصره این ماده هرگاه سوءرفتار^۱ نسبت به کودک و نوجوان، مشمول عنوان تعدد یا تکرار قرار گیرد، مرتکب حسب مورد به حداکثر مجازات قانونی محکوم خواهد شد.

ماده ۱۳ هرگونه سوء رفتار نسبت به کودکان را که مشمول مواد ۱۰ و ۱۱ قرار نگیرد و مطابق این قانون مشمول مجازات شدیدتری نباشد، جرم محسوب و یک تا سه سال حبس برای آن تعیین کرده است.

بر اساس تبصره چنان که سوءرفتار به صورت مکرر یا مستمر توسط هر یک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی و سایرین اعمال شود مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

۱. بر طبق ماده ۲: «سوءرفتار اینگونه تعریف شده است: هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی است که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی و اجتماعی کودک و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد از قبیل ضرب و جرح، مجوس کردن (جز در موارد تأدیب شرعی) سوء استفاده جنسی، توهین و تهدید نسبت به کودک یا نوجوان یا قراردادن او در شرایط سخت و غیر متعارف.

تدوین کنندگان این لایحه و تصویب کنندگان آن در جلسه مسؤلان عالی قضایی تلاش کرده اند، تا ضمن تعریف سوءرفتار یا همان آزار کودکان و بیان مصادیقی از آن رویه قضایی را در استناد به این قانون یاری رسانند. تعریف ذکر شده برای سوءرفتار نیز در عین پابندی به اصول جرم انگاری در حوزه رفتارهای آسیب زا به کودکان یعنی موسع و گسترده بودن عناوین مجرمانه تلاش کرده است تا به ظرفیت‌های نظام حقوقی و قضایی نیز توجه کند. در ضمن برخلاف ماده ۴ قانون حمایت از کودکان، مجازات تعیین شده برای سوءرفتار افزایش یافته است. عبارت شکنجه جسمی و روحی مذکور در ماده ۴ حذف به جای آن ارتکاب سوءرفتار به صورت مکرر یا مستمر مستوجب حداکثر مجازات تعیینی برای سوءرفتار شده است که با اصول حمایت کیفری از کودکان در برابر بزه دیدگی یعنی حمایت کیفری بیشتر از آن‌ها مطابقت دارد (زینالی، ۱۳۹۴: ۲۸۷-۲۸۸).

مهم‌ترین ایرادی که به مواد مذکور وارد است، استثناء کردن تأدیب شرعی در بحث سوءرفتار است که در پیش نویس اولیه لایحه وجود نداشت و در جلسه مسؤلان قضایی افزوده شد. به نظر می‌رسد نه تنها جایگاه اشاره به این اصطلاح در این لایحه اشتباه است، بلکه عدم اشاره به آن نیز مشکل خاصی در این زمینه ایجاد نمی‌کرد. افزون بر این، اصطلاح «شرع» عبارت مبهم و قابل تفسیری است که کودکان را در معرض سوءرفتار والدین، اولیای قانونی و سرپرستان به بهانه تأدیب قرار می‌دهد که مغایر با تعهدات ایران مندرج در ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک است.

۲-۲. بازپژوهشی در موضوع تأدیب کودکان در قانون مجازات اسلامی

تنبيه کودک ممکن است به صورت ندادن غذا و محبوس کردن موقت در اتاق خاص و ایراد ضرب و شتمات و مانند این‌ها باشد. ولی در همه این موارد باید از خشونت و انتقام جویی پرهیز شود و اقدام پدر و مادر با نوعی ملایمت و انعطاف که لازمه امور تربیتی است همراه باشد. وانگهی، تنبيه کودک در صورتی مجاز است که به قصد تأدیب انجام شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۳۸۸).

اما **حد تأدیب و محافظت** چگونه است؟ باید اذعان نمود که هیچ معیاری نمی‌توان ارائه کرد که به واسطه آن حد متعارف تأدیب و محافظت مشخص گردد. در واقع تلاش در جهت ارائه روش‌های درست و نادرست تأدیب و محافظت صحیح است اما تلاش در جهت مشخص نمودن حد متعارف تأدیب و محافظت بیهوده است (دریجانی، ۱۳۷۹: ۴۵).

برخی از دکترین حقوق؛ در مبحث حضانت در بحث از حق تنبيه طفل عنوان می‌نمایند: حق تربیت طفل متضمن اختیار در تنبيه او است. قانونگذار نمی‌تواند حدود اختیار پدر و مادر را به دقت

معین سازد و مرز مباح را رسم کند. پس ناچار بایستی از عرف یاری بگیرد و انگیزه «تأدیب» را شرط لازم برای اباحه هرگونه تنبیه قرار دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۳۸۸)؛ این ابهام و تفاوت عرف و تعریف هر منطقه درباره حد متعارف تنبیه، ضرورت اصلاح و بازنگری در مفهوم تنبیه را آشکار می‌کند.

مطابق ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در صورتی که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه باشد، قصاص ثابت نمی‌شود. این ماده تکرار ماده ۲۲۰ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ می‌باشد. فلسفه عدم ثبوت قصاص بر پدر را به این شرح بیان نموده‌اند:

۱. پدر یا جد پدری فطرتاً خواهان سعادت فرزند خود می‌باشند، حتی اگر از اوامر و نواهی او سرپیچی کند.

۲. علاقه و محبت نسبت به فرزند به قدری شدید است که مانع از کشتن فرزند است. لذا در صورت وقوع، این امر ناشی از هوی و هوس نبوده است (اصغری، ۱۳۷۲: ۱۳۹).

اما چه بسیارند پدرها یا اجداد پدری که بدون رعایت مصلحت و حتی به منظور از بین بردن مصالح کودک اقدام به قتل وی می‌کنند. در مورد انگیزه تربیت نیز باید گفت که در سال‌های اخیر ما شاهد مواردی از خشونت به اطفال بوده‌ایم که کودک در سنین بسیار پایینی قرار داشته و بسیار آسیب پذیر بوده است.

بنابراین عنوان نمودن بحث انگیزه تربیت در مورد این کودکان که گاهی کمتر از یکسال نیز سن دارند، بحثی بیهوده می‌باشد. از طرفی بسیاری از موارد خشونت علیه کودکان در پس مصرف مواد مخدر توسط از والدین صورت گرفته است که باز هم بحث تنبیه و تربیت را منتفی می‌نماید.

لذا تجدیدنظر در مواد قانونی مربوطه، لازمه اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری کیفری می‌باشد. مطابق بند ت ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱۲، «اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد»، قابل مجازات نیست.

این ماده، تکرار ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ می‌باشد که در حقوق جزای عمومی در مبحث علل موجهه جرم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؛ چنانچه ملاحظه شد،

بر اساس قوانین و مقررات لازم الاجرا اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب و محافظت اینان باشد با زوال عنصر قانونی از شمول جرایم خارج است.

۳. پیشگیری غیرکیفری (کنشی) در قبال خشونت علیه اطفال در سیاست جنایی پیشگیرانه ایران

پیشگیری غیرکیفری^۱ از جمله شاخه‌های کاربردی جرم‌شناسی است که با رویکردی کنشی - پیشینی و ماهیتی غیرقهرآمیز به دنبال کاهش یا از بین بردن عوامل فردی، محیطی و وضعی مؤثر در وقوع بزهکاری است. مطابق این تعریف، کیفر که در ذات خود واکنشی و پسینی می‌باشد از فرآیند پیشگیری خارج می‌شود. مدل نوین جرم‌شناسی پیش‌گیری، تقسیم بندی پیشگیری به پیشگیری وضعی و پیش‌گیری اجتماعی می‌باشد.

۱-۳. پیشگیری وضعی در قبال خشونت علیه اطفال در سیاست جنایی پیشگیرانه ایران

طرح پیشگیری وضعی از جرم به عنوان یک نظریه‌ی علمی اصالتاً تأسیسی، انگلیسی است که توسط سه نفر به نام‌های کلارک، می‌هیو و کرینش مطرح شده و توسعه یافته است. رونالد کلارک در مقدمه‌ی کتاب خود تحت عنوان "preventio success full case studies situational Crime" که در سال ۱۹۹۷ با تغییراتی تجدید چاپ گردید، بیان می‌دارد که این نظریه از جهت پیشگیری جرم اشاره به یک روش خاص دارد، که مبتنی بر متعالی کردن جامعه و نهادهای آن نیست. بلکه به طور ساده تکیه بر کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم دارد (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۰)؛ این در حالی است که پیشگیری اجتماعی زمینه و علل جرم را از بین می‌برد ولی پیشگیری وضعی، فرصت و امکان وقوع آن را کاهش می‌دهد یا دشوار می‌سازد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

اقدام‌های وضعی پیشگیرانه، ناظر بر اوضاع و احوال و شرایطی هستند که مجرم را در آستانه‌ی ارتکاب جرم قرار می‌دهد. این اوضاع و احوال که در جرم‌شناسی، وضعیت‌های ماقبل بزهکاری یا وضعیت‌های پیش جنایی نام دارد فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را تحریک یا تسهیل کرده و نقش مهمی در آن ایفاء می‌کند (خسروشاهی و منصور، ۱۳۸۹: ۵۹).

^۱. پیشگیری غیرکیفری؛ شامل تدابیر و اقداماتی است که ماهیتی غیرکیفری دارند و در راستای پیش‌گیری از وقوع جرم و نه پیشگیری از تکرار آن انجام می‌شود (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۷: ۸۳).

۳-۱-۱. ایجاد خط تلفنی ویژه برای اعلام خشونت علیه اطفال

به منظور اعلام موارد خشونت علیه اطفال، باید خطوط تلفنی ویژه‌ای در نظر گرفته شود که ۲۴ ساعت پاسخگوی افراد باشند و این گزارش‌ها بدون ذکر نام اعلام‌کننده و یا با اعلام نام به صورت محرمانه، نیز باید مورد رسیدگی قرار گیرند؛ در حال حاضر نیز شماره تلفن ۱۲۳ به عنوان خط ویژه گزارش خشونت علیه اطفال در تهران و چند شهر بزرگ کشور می‌باشد. پس از دریافت گزارش توسط مشاورین این خط، مددکاران مربوطه برای پیگیری گزارش‌ها به محل اعزام می‌شوند و در صورت صحت موارد گزارش شده اقدامات مقتضی را به عمل می‌آورند.

۳-۱-۲. الزام والدینی که سبقه رفتارهای خشونت آمیز با کودکان دارند؛ به شرکت در کلاس‌های آموزشی

پس از برخورد‌های قانونی لازم با افرادی که اطفال را مورد خشونت قرار داده‌اند؛ این افراد نباید به حال خود رها شوند، بلکه باید تحت نظارت و کنترل توسط مددکاران اجتماعی قرار گیرند. در راستای اصلاح الگوهای رفتاری افراد آزارگر لازم است این افراد تحت آموزش قرار گیرند. برنامه جامع توانمندسازی خانواده (SFP) که توسط موسسه ملی سوء مصرف مواد مخدر (NIDA) در امریکا برگزار می‌شود را می‌توان به عنوان الگویی برای طرح ریزی برگزاری کلاس‌های آموزشی برای والدینی که رفتارهای خشونت آمیز با کودکان دارند، مورد مطالعه قرار داد. این برنامه که به صورت ۱۴ جلسه پی در پی هفتگی و هر جلسه به مدت دو ساعت برگزار می‌شود به ترتیب در جلسات ۱۴ گانه درباره چگونگی الگوپذیری کودکان از رفتار والدین، ثوری یادگیری و اصلاح رفتار نابهنجار کودکان، آموزش مراقبت و نظارت والدین بر رفتار فرزندان، تفهیم مراحل مختلف رشد جسمی - روانی، اجتماعی و عاطفی کودک و متناسب نمودن انتظارات والدین براساس توانایی‌های کودک، تکنیک‌های افزایش عزت نفس کودک و بکارگیری تشویق و پاداش‌های مادی و غیر مادی در تقویت رفتارهای مثبت، آموزش رفتار کلامی و عملی مثبت با کودکان، آموزش برقراری ارتباط با کودکان، آموزش نحوه برخورد والدین با مشکل مواد مخدر و الکل، آموزش مهارت‌های حل مسئله و ارائه راه حل، چگونگی وضع و اجرای مقررات توسط والدین و ضمانت اجرای نقض مقررات، تمرین برنامه‌های رفتاری مشخص با کودکان به والدین آموزش داده می‌شود.

۳-۱-۳. الزام معلمین و پرستاران به گزارش خشونت علیه اطفال

الزام به گزارش موارد خشونت علیه کودکان به عنوان یکی از اقدامات حمایتی، مطرح می‌گردد. برخی مواقع، افراد با این تصور اینکه خشونت علیه اطفال یک مسأله خصوصی خانوادگی است، اقدامی در جهت گزارش و اعلام موارد مشاهده شده در این زمینه نخواهند کرد. در حالی که این گونه نیست و تک تک افراد جامعه باید خود را موظف به گزارش این موارد بدانند. در صورتی که با وجود دلایل معقولی، این ظن برای شخص ایجاد شود که کودکی مورد خشونت قرار گرفته، باید سریعاً این مسأله را به مراکز مربوطه گزارش دهد.

به عنوان مثال در کانادا برای گزارش این موارد مراکزی من جمله مؤسسات موجود در زمینه رفاه کودک، سازمان خدمات اجتماعی، ادارات پلیس، بیمارستان، مراکز بهداشت روانی، مرکز اضطراب یا سایر سرویس‌های اجتماعی که وظیفه ارائه مشاوره و حمایت از خانواده‌ها و کودکان را بر عهده دارند، وجود دارند و شخص اعلام کننده نباید نسبت به ادعای خود نگران باشد، زیرا تنها مسئولیت او، اعلام مشاهدات خود است و بررسی کامل موضوع که آیا مورد، از مصادیق خشونت علیه کودکان محسوب خواهد شد و یا خیر، بر عهده مسئولین مؤسسات مربوط به رفاه کودکان گذاشته شده است؛ در تمام موارد اقامه دعوا علیه فرد اعلام کننده ممنوع اعلام شده، مگر اینکه ثابت شود گزارش فرد، نادرست و براساس سوء نیت او صورت گرفته است (ایروانیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۷۵).

با الزامی شدن اعلام موارد خشونت علیه کودکان، در صورت قصور در انجام این وظیفه، باید مجازات‌هایی پیش بینی گردد. به عنوان مثال، جزای نقدی به عنوان ضمانت اجرای عدم گزارش موارد خشونت علیه اطفال در مورد افرادی که به نحوی با کودکان در ارتباط هستند. (مانند پزشکان، معلمین، افراد خانواده و سایر افرادی که وظیفه مراقبت از کودک را بر عهده دارند)، در نظر گرفته شود. حبس‌های کوتاه مدت و یا حبس بدل از جزای نقدی نیز می‌تواند به عنوان ضمانت اجرا در نظر گرفته شود.

بالا بردن سطح آگاهی معلمین در مورد مفهوم خشونت علیه اطفال و نشانه‌های تشخیصی آن از طریق درج مطالبی در زمینه خشونت علیه اطفال در کتب درسی مراکز تربیت معلم، روزنامه‌ها و مجلات کثیرالانتشار و نیز مجلات پیوند، رشد و تربیت که مربوط به اقشار فرهنگی است و همچنین برگزاری سمینارها چرا که معلمین به علت تماس مداومشان با دانش‌آموزان در موقعیت منحصر به

فردی جهت تشخیص و گزارش خشونت علیه اطفال و همچنین آموزش و ارائه تعلیمات صحیح به والدین و دانش آموزان قرار دارند.

دادن اطلاع کافی به پرستاران بالینی از نظر مفهوم کودک آزاری و نشانه های تشخیصی آن تا در صورت برخورد به موارد سوء رفتار بتوانند آنها را شناسایی و معرفی نمایند؛ بدین منظور مدیران خدمات پرستاری باید با تشکیل کلاس های بازآموزی و آموزش ضمن خدمت و برگزاری سمینارها، دانش و مهارت های پرستاران را در این زمینه افزایش دهند.

۲-۳. پیشگیری اجتماعی در قبال خشونت علیه اطفال در سیاست جنایی پیشگیرانه

ایران

از میان انواع رویکردهای پیشگیری از جرم، گونه‌ی پیشگیری اجتماعی که از طریق توسعه‌ی شاخصه های اجتماعی و ارتقاء وضعیت رفاه و بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه صورت می‌پذیرد، جایگاه ویژه‌ای در میان پژوهش‌های جرم شناختی و سیاستگذاری های جنایی یافته است (دارابی، ۱۳۹۵: ۱۱۷).

پیشگیری اجتماعی، ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی است که منجر به اصلاح جامعه و فرد و جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی می‌شود. در این نوع پیشگیری به دنبال هماهنگ سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی هستیم. بر خلاف پیشگیری وضعی که بزه دیده مدار و سبیل مدار بود، محور اقدامات در پیشگیری اجتماعی مجرم و فردی است که می‌تواند مجرم باشد.

۱-۲-۳. آموزش والدین در مورد تبعات خشونت علیه اطفال

شکل گیری رفتارهای ضد اجتماعی و اختلال در ارتباط کودک با دیگران؛ بی‌زاری، بیگانگی و گوشه گیری، افسردگی، اضطراب، عدم احترام به خود و احساس بی‌ارزش بودن؛ خودزنی، گرایش به خودکشی، سوء مصرف مواد مخدر در سطح وسیع، ایجاد تغییرات جدی در اشتها؛ بروز مشکلات در مدرسه و محل کار، اختلال در مسایل جنسی؛ بی نظمی های آشکار، فحشاء (به ویژه وقتی سوء استفاده از نوع جنسی بوده است)؛ کابوس دیدن در خواب؛ شب ادراری، مرگ کودک یا مرگ فرد کودک آزار در صورتی که کودک با او به مبارزه برخاسته باشد، دیگر آزاری، ادامه چرخه کودک آزاری؛ اینها تنها بخشی از مضرات خشونت علیه کودکان هستند. اگر خانواده ها از این مضرات آگاهی پیدا کنند امکان بازنگری در رفتار خود وجود خواهد داشت. زیرا شاید بسیاری

از خانواده‌ها به علت عدم آگاهی از عواقب رفتار خود دست به خشونت علیه کودکان خود می‌زنند.

۳-۲-۲. آموزش رسانه‌ای در مورد ضرورت اجتناب از خشونت علیه اطفال

در جهان معاصر که تمامی ابعاد زندگی انسان تحت تأثیر پیشرفت‌های فناورانه است، پیشرفت و تحول در عرصه ارتباطات را می‌توان پیش قراول تحولات زندگی بشر دانست و اطلاق «عصر ارتباطات» به زندگی امروزی بشر حکایت از همین واقعیت دارد. ویژگی‌های رسانه در عصر حاضر جایگاه شاخصی را در مرحله انتقال ارزش‌ها و هنجارها به اطفال و نوجوانان اختصاص داده است. با وجود آنکه از رسانه به عنوان ابزار جامعه‌پذیری اولیه پس از خانواده، مدرسه، و همسالان یاد می‌شود، لکن وسعت دامنه تأثیرگذاری آن به حدی است که در قلمرو تمامی ابزارهای جامعه‌پذیری مداخله می‌کند و بر کارکردهای آن‌ها اثر می‌گذارد.

ویژگی دیگر رسانه آن است که کارکرد و تأثیرگذاری آن محدود به زمان و مکان نیست. استفاده رسانه و به ویژه تلویزیون از شگردها و فنون جذاب صوت و تصویر تأثیرگذاری آن را مضاعف می‌کند، جذابیت تلویزیون برای اطفال حتی در سنین بسیار پایین و نیز دسترسی اکثریت خانواده‌ها به این وسیله ارتباطی و نیز ناچیز بودن امکان کنترل خانواده‌ها بر آنچه تلویزیون و رسانه ارائه می‌کند از ویژگی‌های دیگری است که اهمیت آن را برجسته‌تر می‌کند. برجستگی دیگر در کارکردهای رسانه و به ویژه تلویزیون آن است که برخلاف بسیاری از ابزارهای ارتباطی دیگر که استفاده از آن‌ها مستلزم داشتن سواد یا فرهنگ متناسب است، بهره‌گیری از تلویزیون به وجود چنین توانایی خاصی در مخاطب مشروط نبوده و برای تمامی افراد قابل بهره‌برداری است.

تلویزیون و رسانه به واسطه قدرت تکرار، برجسته‌سازی، تبلیغ و وسعت مخاطبان از قدرت هنجارسازی زیادی برخوردار است. به طوری که جامعه‌شناسان از تلویزیون به عنوان «پر قدرت‌ترین رسانه» یاد می‌کنند. تلویزیون از یک سو می‌تواند با بالا بردن درک و بصیرت مخاطبان پذیرش داوطلبانه هنجارهای معرفی شده را تسهیل کند و از سوی دیگر از طریق ابراز اشتیاق به ارتباط با مخاطبان، صداقت در احساسات، ایجاد همدلی، حمایت از مخاطب، مثبت‌گرایی، تساوی و تعادل بین فرستنده و گیرنده پیام و نیز توجه به ارضای نیازهای شنونده و بیننده به جلب رضایت شخصی مخاطبان اقدام کند که نتیجه این فرایند ایجاد جاذبه و اعتماد است که لازمه درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای معرفی شده توسط عامل نفوذ اجتماعی می‌باشد.

معرفی نقض کنندگان هنجارهای اجتماعی و مجرمان و انتشار اخبار مربوط به مجازات آنان به طور مستقیم و با نشان دادن عاقبت رفتار نابهنجار و بزهکار در قالب برنامه‌های نمایشی و از سوی دیگر معرفی چهره‌های برجسته و مقبول در زمینه رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، افراد را در زمینه رعایت هنجارهای اجتماعی هدایت می‌کند (مهدوی، ۱۳۹۰: ۳۴۳).

تهیه و پخش برنامه‌های مستند راجع به خشونت علیه اطفال و عواقب آن و بررسی کارشناسانه محتوای برنامه، می‌تواند تلنگری باشد برای تمامی افرادی که به صورت آگاهانه و یا با عدم آگاهی اقدام به خشونت علیه کودکان می‌نمایند. انعکاس تجربیات و دردهای روحی و روانی افرادی که در گذشته مورد آزار قرار گرفته‌اند، تقیح خشونت در قبال اطفال از منظر شرع مقدس اسلام در قالب برنامه‌های دینی و ضرورت اجتناب از رفتارهای آسیب‌رسان نسبت به کودکان می‌تواند از راه‌های مهم در بستر پیشگیری اجتماعی از پدیده خشونت علیه اطفال در خانواده‌ها باشد.

۳-۲-۳. آموزش الگوهای صحیح تربیتی به والدین از طریق ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد^۱

در کنار نظام کیفری، عدم استفاده از بالقوه سایر اجزای جامعه‌ی دولتی و رسمی نه تنها در مبارزه‌ی کیفری با جرم، بلکه در پیشگیری از جرم، که جزو رسالت کل جامعه در قالب هم‌بستگی دولت و مردم است، کارآیی نظام کیفری را محدود و در نهایت، به کنترل ناکارآمد بزهکار و بزهکاران منجر می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۶۸)؛ افزون بر این‌ها از آن جا که یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی نظام‌های کیفری که در پرتو اصول مدرن و مکاتب نوین حقوق کیفری در دهه‌های اخیر تحول یافته‌اند، مشارکت جامعه‌ی مدنی نظیر سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری و نیز در پیشگیری از جرم؛ یکی از آثار آن است.

براساس تجربه صاحب نظران، عدم اطلاع والدین در مورد الگوهای صحیح تربیتی، من جمله علل خشونت علیه کودکان شناخته شده است. این مورد به خصوص در میان والدین جوان دیده می‌شود. اگر این والدین آگاهی پیدا کنند که تشبیه و خشونت جسمی و روانی چه مضراتی برای کودک دارد و به جای این راه‌ها می‌توانند از راه‌ها و روش‌های دیگری که نه تنها برای کودک مضر نیستند بلکه به رشد شخصیتی کودک کمک نیز می‌نمایند، استفاده کنند، شاهد حذف خشونت‌هایی که ناشی از عدم آگاهی از راه‌های صحیح تربیتی خواهیم بود. این آموزش می‌تواند

^۱. NGOs.

به عنوان آموزش اجباری برای زوجینی که قصد داشتن فرزند را دارند در نظر گرفته شود تا با اطلاع یافتن از نقش والدین، در صورتی که آمادگی پذیرش این نقش را ندارند، اقدام به بچه دار شدن ننمایند. آموزش در مهد کودک ها و مدارس ابتدایی نیز می تواند تأثیر به سزایی در آگاهی یافتن والدین داشته باشد.

با توجه به این که تربیت فرزندان سالم و بهنجار مستلزم آشنایی والدین از شیوه های مناسب و صحیح تربیت کودک و دارا بودن مهارت های فرزندپروری است و این که متأسفانه بیشتر والدین ایرانی، به خصوص آن هایی که دارای فقر فرهنگی و اقتصادی هستند، فاقد چنین اطلاعات و مهارت هایی هستند، پس فعالیت های سازمان های مردم نهاد در این بخش از برنامه های خانواده مدار عمدتاً بر آموزش مهارت های یادشده به والدین متمرکز است. این آموزش ها می تواند در زمینه شیوه های تربیتی کودکان و نوجوانان، شیوه برخورد با رفتارهای نادرست آن ها، چگونگی برقراری ارتباط سازنده با نوجوانان و... باشد. در این باره به عنوان نمونه می توان به فعالیت های انجمن حمایت از حقوق کودکان اشاره کرد. یکی از برنامه های هفتگی انجمن یاد شده برگزاری کلاس های آموزشی برای مادران است که در آن مهارت های فرزندپروری به مادران آموزش داده می شود. از جمله می توان از کلاس های: آموزش تعلیم و تربیت کودکان، مدیریت خشم و عصبانیت، چگونه پدر و مادر و مربی مفیدی باشیم، روش خوب گوش دادن به کودکان، روش نقاشی با کودکان و آموزش حقوق کودک برای مادران و همچنین کلاس های مشاوره گروهی رفتار با کودک در خانه و خانواده نام برد.

۳-۲-۴. زوج درمانی والدینی که کودکان را مورد خشونت قرار می دهند

در زمینه مداخلاتی که والدین را مورد هدف قرار داده اند یعنی رویکردهای زوج درمانی، اطلاعات بسیار اندک است. ولی زوج درمانی در کاهش مشکلات روان شناختی و استرس مؤثر می باشد. چون بسیاری از والدینی که مسبب به اطفالشان خشونت می کنند؛ از لحاظ اجتماعی منزوی اند. پژوهشگران، توسعه شبکه های روابط اجتماعی و مشارکت دادن این والدین چنین شبکه هایی را پیشنهاد کرده اند. این شبکه ها می توانند گردهم آیی دوستان، تماس با انجمن ها را شامل شوند. تماس های اجتماعی بستگی به نیازهای خانوادگی دارد ولی می تواند از خطوط تلفن بحرانی، تا گروه های حمایتی و کلاس های آموزشی را شامل شود. برنامه های بازدید از منازل، یک شیوه حمایتی دیگر از والدین است. چنین دیدارهایی، اطلاعاتی در مورد رشد کودک و نحوه اداره او

در اختیار والدین قرار می‌دهد. علاوه بر کمک‌های فوق معلوم شده است؛ خانواده‌هایی که نسبت اطفال خشونت می‌کنند؛ غالباً برای دستیابی به غذا، سرپناه و ... به کمک و همیاری دیگران نیاز دارند. متأسفانه به مسأله فقر توجه نمی‌شود و خدماتی در این زمینه وجود ندارد؛ آموزش شغلی و فراهم سازی، شغل مناسب می‌تواند بخشی از خدماتی باشد که به والدین آنان ارائه می‌شود.

۳-۲-۵. بهبود وضعیت اقتصادی خانواده

آثار شدید و غیر قابل انکار فقر بر کارکردهای مختلف رشدی، جامعه پذیری و کنترلی خانواده توجه به بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده را از اهمیت فوق العاده برخوردار می‌کند. محققان و پژوهشگران دریافته‌اند که موقعیت‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی خانواده‌ها موجب تفاوت‌های معناداری در کارکردهای خانواده و کفایت والدین گردیده است (مهدوی، ۱۳۸۸: ۵۸)؛ کودکان در خانواده‌هایی که تحت فشار شدید فقر قرار دارند کمتر تحت مراقبت، تشویق و رفتارهای عاطفی قرار می‌گیرند و احتمال بروز رفتارهای خشونت آمیز نسبت به آن‌ها بیشتر بوده و این امر تعلق کودک به خانواده را از بین برده و فرآیند رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی کودک را مختل می‌کند.

نتیجه گیری و پیشنهادها

شناسایی و تبیین حقوق کودک و مسأله حمایت از کودکان در برابر خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی محصول بنیان‌های فرهنگی مدرن بود. در واقع نظام فرهنگی مدرن بستری مطلوب را جهت شناسایی بدون تبعیض حقوق انسانی و به ویژه حقوق کودکان را فراهم نمود. با این وجود، ره آورد فرهنگ مدرن تنها در جهت حمایت از کودکان متبلور نگردید. در کنار تحولات مثبت صورت پذیرفته در حوزه کودکان، ساختار مادی و معنوی ایجاد شده منجر به ظهور و توسعه روز افزون ابعاد جدیدی از سوء استفاده علیه کودکان گردید. بدین ترتیب، شیوع شیوه‌های کاملاً مدرن بهره‌کشی جنسی و خشونت‌های شدید جسمی به قسمتی از این نظام تبدیل گردید. شاید بتوان بخشی از خشونت‌های صورت گرفته در قبال کودکان در سطح جوامع صنعتی را محصول بقای نظام فرهنگی سنتی و انگاره‌های ذهنی مردان در اعمال حاکمیت و سلطه خود بر زنان و کودکان دانست.

اقدامات مقنن در پیشگیری از خشونت علیه اطفال در سیاست جنایی ایران؛ عمدتاً ناظر به پیشگیری کیفری بوده است؛ قانونگذار البته به صورت پراکنده و غیر منسجم در حوزه‌های مختلف اقدام به جرم‌انگاری کرده و مصادیق مختلفی از خشونت علیه کودکان را مورد مجازات قرار داده است؛ با این حال، در خصوص پیشگیری غیرکیفری، اقدامات مقنن چندان گسترده و روشن و مشخص نیست؛ تا جایی که می‌توان ادعا کرد در حوزه‌ی پیشگیری از خشونت علیه اطفال، سیاست جنایی تقنینی ما فاقد یک رویکرد منسجم، هماهنگ و مبتنی بر واقعیت‌های جرم‌شناختی و جامعه‌شناسی کیفری است.

آن چه بیش از پیش ضرورت آن احساس می‌شود، انجام تغییرات و اصلاحات اساسی در حوزه قانونگذاری به منظور اتخاذ یک سیاست جنایی پیشگیرانه هماهنگ، منسجم و افتراقی در راستای جلوگیری از خشونت‌های جنسی؛ جسمی و روانی اطفال بزه دیده است؛ براین اساس، به منظور تدوین یک سیاست جنایی جامع و کارآمد که بتواند طیف گسترده کودکان و نوجوانان بزه دیده، شاهد جرم، در معرض خطر را شامل شود، دست اندرکاران سیاست جنایی کشور، باید با بهره‌گیری از سازمان‌های غیر دولتی، در مرحله‌ی اول، برنامه‌ای مدرن در پیشگیری غیرکیفری از بزه‌دیدگی را ساماندهی کنند و از طریق این برنامه‌ریزی حداقل رفاه را در تأمین نیازهای ضروری کلیه آحاد جامعه از جمله کودکان و نوجوانان فراهم نمایند؛ سپس با عنایت ویژه به اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی که مصداق بارز آنان کودکان و نوجوانان در معرض خطر، قربانی و

شاهد جرم هستند، با برنامه‌ریزی اصولی اقدامات مؤثری برای جلوگیری از سقوط ایشان در ورطهٔ بزهکاری با رویکرد سیاست جنایی پیشگیرانه اقدام نمایند؛ با این اوصاف نگارنده به صورت فهرست وار پیشنهادهای ذیل را ارائه می‌دهد:

۱. زوج درمانی والدینی کودکانشان مورد حمله خشونت قرار گرفته اند؛ در قالب گردهمایی، همایش و تشکیل انجمن.
۲. اصلاح الگوی تفکر والدینی که نسبت کودکان خشونت می‌کنند از طریق آموزش و ایجاد آگاهی در آنان در خصوص روش‌های صحیح تربیتی.
۳. روان‌کاوی کودکانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند.
۴. آموزش خانواده‌ها در مورد معایب و عواقب خشونت به اطفال.
۵. آگاه‌سازی و آموزش رسانه‌ای جامعه در ضرورت پیشگیری از خشونت علیه اطفال.
۶. ایجاد خط تلفنی ویژه برای گزارش موارد خشونت نسبت به اطفال.
۷. الزام معلمان و پرستاران به گزارش موارد خشونت نسبت اطفال.
۸. تصویب قوانین مناسب برای مبارزه کارآمد با اشکال مختلف کودک خشونت علیه اطفال.

منابع

الف: منابع فارسی

- آقابیکلویی، عباس رسول زاده طباطبایی، سید کاظم و موسوی چلک، حسن (۱۳۸۰)؛ **کودک آزاری**، تهران: انتشارات کتاب آوند دانش، چاپ اول.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۶)؛ **جرم‌شناسی پیشگیری**، جلد اول، تهران: انتشارات میزان، چاپ چهارم.
- ابوالحسنی، سلامه و طه، فریده (۱۳۹۶)؛ **خشونت خانگی: بررسی حقوقی - جرم شناختی اسناد سازمان ملل**، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
- اصغری، سید شکرالله (۱۳۷۲)؛ **سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات**، تهران: انتشارات کیهان، چاپ دوم.
- ایروانیان و دیگران (۱۳۸۹)؛ **کودک آزاری: از علت شناسی تا پاسخ دهی**، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- تدین، عباس (۱۳۹۶)؛ **حقوق کیفری تطبیقی اطفال**، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی (۱۳۹۷)؛ **جرم شناسی کاربردی**، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ اول.
- خسروشاهی، قدرت الله و منصور، حیدر (۱۳۸۹)؛ **پیشگیری زودرس از بزهکاری با رویکرد خانواده مدار**، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۶.
- دارابی، شهرداد (۱۳۹۵)؛ **پیشگیری از جرم در مدل مردم سالار سیاست جنایی**، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
- دریجانی، میترا (۱۳۷۹)؛ **بررسی حقوقی و جرم شناختی تنبیه بدنی کودکان**، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۷)؛ **درآمدی بر جرم شناسی**، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳)؛ **رهیافتی نو به بنیان های نظری پیشگیری از جرم**، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹.
- زرگری، سید مهدی (۱۳۹۰)؛ **پیشگیری از بزهکاری**، تهران: انتشارات نگاه بینه.

- زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۴)؛ **جهانی شدن حقوق کیفری: در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزه دیدگی**، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
- صفاری، علی (۱۳۸۰)؛ **مبانی نظری پیشگیری از جرم**، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴.
- عبداللهی، سامان و کرامتی معز، هادی (۱۳۹۷)؛ **پیشگیری از بزه دیدگی ناشی از بی توجهی به اطفال در سیاست جنایی ایران**، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)؛ **حقوق مدنی**، خانواده، تهران: انتشارات میزان، چاپ هفتم.
- کی نیا، مهدی (۱۳۹۲)؛ **مبانی جرم‌شناسی**، جلد اول، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهاردهم.
- گزارش کمیته مأمور مطالعه در امر خشونت و بزهکاری تحت ریاست آلن پرفیست (۱۳۷۸)؛ **پاسخ‌هایی به خشونت**، ترجمه دکتر مرتضی محسنی، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
- مهدوی، محمود (۱۳۹۰)؛ **پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد‌مدار)**، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- مهدوی، محمود (۱۳۸۸)؛ **اطفال و نوجوانان در معرض خطر (مطالعه موردی بررسی عوامل خطر بزهکاری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران)**، رساله دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید (۱۳۹۳)؛ **دانشنامه جرم‌شناسی**، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ سوم.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴)؛ **سیاست جنایی**، در علوم جنایی: مجموعه مقالات، جلد دوم، انتشارات سلسیل.
- نورالدین، سهیلا (۱۳۸۶)؛ **ارزیابی پاسخ‌های نظام عدالت کیفری به خشونت خانگی علیه زنان در ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس.

ب: منابع لاتین

- Alexander, R. C; Levitt, C. J. & Smith, W.L. (۲۰۰۱), **Child abuse: Medical Diagnosis and Management**, Philadelphia, Lippincott, Williams & Wilkins.
- Mills, LB, Friend, C. conroy, K. et al (۲۰۰۰), **child protection and Domestic violence: Training, Practice and policy Issues**, children and youth services Review, ۲۲(۱).
- Scher, C.D. Forde, D.R, MC Quaid, J. R & stein, M.B (۲۰۰۵), **prevalence a Demographic correlates of childhood Maltreatment in an adult community sample**, child abuse & neglect, ۲۸(۱).
- Krug EG et al (Eds) (۲۰۰۲), **World Report on violence and Health**, Geneva, World Health organization.
- Leavit, Jerome E. (۱۹۹۳) **Child abus and neglect: Research and Innovation**, Martinas Nijhoff publishers.
- Yelo H. (۱۹۸۳), **Sexueal quality and Violence against wives in American States**, Journal of comparative family studies, ۱۴(۱۱).